

چکیده

موضوع این مقاله، مشروبات الکلی در فقه شیعه است.

شناخت احکام مربوط به الکل و مشروبات الکلی نیاز به شناخت حکم خمر دارد، از این رو عموم مردم مسلمان و همه کسانی که به نحوی با این ماده سر و کار دارند نیازمند شناخت احکام شرعی مربوط به آن می باشند، لذا هدف من ارائه اثری است که در آن به بیان ادله فقهی حکم حرمت و نجاست مسکرات پرداخته شود.

الکل، هیدرات کربنی است متشکل از عامل OH و کربن که با روش های طبیعی و صنعتی تولید می شود و مهمترین و پرکاربرد ترین آن ها متانول (الکل متیلیک) و اتانول (الکل اتیلیک) است. متانول همان الکل صنعتی است که خاصیت مست کنندگی ندارد بلکه ماده ای مسموم کننده است. اما اتانول یا الکل اتیلیک خاصیت مست کنندگی دارد که در قرآن و حدیث از آن به خمر تعبیر شده است.

الکل فواید و کاربردهایی دارد، ولی نوشیدن آن به علت مست کنندگی، پیامدهای سوء فردی و اجتماعی بسیاری دارد و به همین علت در قرآن کریم از پلیدی ها شمرده و تحریم شده است. و هم چنین فقیهان شیعه بر حرمت شرب آن به دلیل نص قرآن اجماع دارند اما در رابطه با نجاست آن اختلاف نظر دارند که فتوای غالب و مشهور آن ها نجاست است. اما در رابطه با الکل صنعتی (متانول) فتوا به طهارت داده اند. زیرا الکل صنعتی نه تنها خاصیت مست کنندگی ندارد، بلکه ماده ای تخریر کننده و سمی است

موضوع دیگر قابل طرح، حرمت معامله و خرید و فروش چیزهای حرام است که تحلیل فقها این است که اگر منفعت حلال داشته باشد و معامله بر همان صورت گیرد، جایز است و اگر برای مست شدن معامله شود باطل خواهد بود. بنابراین خرید و فروش الکل برای مصارف طبی جایز است.

از این پژوهش می توان نتیجه گرفت اگر عنوان خمر یا مسکر شامل الکلی نیز بشود و الکلی به تنهایی و به خودی خود مست کننده باشد نجس است و نوشیدن آن حرام است ولی اگر به تنهایی مست کننده نباشد و باعث مسمومیت بشود دیگر عنوان خمر بر آن صادق نبوده، نمی توان آن را نجس دانست هر چند که خمر و دیگر مشروبات الکلی را نجس بدانیم.

در پایان پیشنهاد می شود که نظر به پیامدهای زیان بار مشروبات الکلی، اهمیت موضوع از بعد اجتماعی، بهداشتی و حقوق قضایی مورد پژوهش های متعدد قرار گیرد.

کلید واژگان: خمر، الکلی، اتانول، مضرات الکلی، فقه شیعه، حرمت الکلی، نجاست الکلی و کیفر شرب مسکرات.

مقدمه

پیشرفت علوم تجربی در زمینه های گوناگون، موضوعات جدیدی را در زندگی فردی و اجتماعی انسان به وجود آورده است که چه بسا در صدر اسلام خبری از آن ها نبود؛ الکل یکی از این موضوعات است.

الکل از راه تخمیر مواد قندی و نشاسته ای به وجود می آید و اولین بار دانشمند معروف اسلامی - محمد بن زکریای رازی - آن را از تقطیر بخارات شراب به دست آورد که می توانست علاوه بر کاربرد پزشکی به عنوان بهترین حلال شیمیایی مورد استفاده قرار گیرد.

الکل، عامل مؤثر خمر را تشکیل می دهد که در گذشته مصرف قابل توجهی جز نوشیدنی نداشت، ولی به تدریج نقش تخریبی آن کم تر شده و موارد استفاده فراوانی یافته است. برای مثال از الکل برای ساخت داروها، مواد آرایشی از قبیل عطر و ادکلن، و هم چنین در صنعت و طب استفاده های فراوانی می شود.

توجه به این نکته لازم است که هر چند الکل به عنوان ماده ای مؤثر و مفید در بسیاری از فرایندهای شیمیایی و مسائل پزشکی و طبی مورد استفاده قرار می گیرد و مورد نیاز است ولی همین ماده اگر به عنوان نوشیدنی مورد استفاده قرار گیرد، زیان های جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت و از این جاست که دین مبین اسلام این موضوع را با اهمیت قلمداد کرده و آیات گوناگونی را برای نهی از شرب خمر بیان می دارد. که از جمله این آیات می توان به آیه ۹۰ و ۹۱ سوره مائده اشاره کرد.

معنای لغوی و اصطلاحی

در قرآن کریم و احادیث از مایعات مست کننده با عناوین خمر، مسکر و در متون فارسی با عنوان شراب، آبجو، می، باده و ... نام برده شده است که به تعریف اهم آنها می پردازیم.

خمر (به فتح خاء و سکون میم): شراب، می، آب انگور که مسکر باشد.^۱

خمر: اصل پوشاندن چیزی است، وبه هر چیزی که با آن و به وسیله آن پوشانده می شود – خمار – گویند، ولی خمار در سخنان معمولی اسمی است برای روپوشی که زنان سر خود را با آن می پوشانند و جمع آن خُمَر است. نامیدن – خمر – به نوشیدنی که سکر آور است برای این است که در مرکز و جایگاه خرد انسان پنهان می شود.^۲

خمر: « فشرده انگور یا خرما که تخمیر و تبدیل به شراب شود، هر نوشابه ای که مستی بیاورد از شراب و عرق و امثال آنها بیشتر به شراب اطلاق می شود.»^۳

خمر از ریشه خَمَر خمرأ گرفته شده به معنای آن را پوشانید، به او شراب نوشانید و از ریشه خَمِر خمرأ به معنای شرمگین شد، می زده و خمار آلود شد.^۴

خمر: باده نوشی، نوشیدن شراب، شراب، می، آب انگور که مسکر باشد، باده، هر چیز مسکر.^۵

شراب: « در فارسی بیشتر به معنی می، باده و آب انگور تخمیر شده باشد می گویند.»^۶

شراب: [ش]: آشامیدنی، نوشیدنی، آب. در اصطلاح فقیهان آن آشامیدنی را گویند که به اجماع فقها حرام شده است.^۷

می: [م یا م]: به معنی شراب انگوری است.^۸

۱- احمد علامه فلسفی، فرهنگ زبان فارسی، تهران، انتشارات پیام آزادی، چاپ ۱۳۸۱، ص ۲۵۵.

۲- ابو القاسم حسین بن محمد بن فضل (راغب اصفهانی)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ سوم ۱۳۸۳، جلد اول، ص ۶۳۸.

۳- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیستم ۱۳۸۰، ص ۵۶۴.

۴- خلیل جَز، فرهنگ لاروس، ترجمه حمید طبیبیان، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳، جلد اول، ص ۹۳۵.

۵- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۸۵، جلد اول، ص ۱۱۶۰.

۶- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۷۹۰.

۱- احمد علامه فلسفی، فرهنگ زبان فارسی، ص ۳۸۱.

۲- همان، ص ۶۷۸.

می: [به فتح میم]: باده، شراب، شراب انگوری، نوشابه الکلی.^۱

الکل: (alcohol) مایعی است فرار، دارای طعم تند و سوزان و بر چند قسم است که مهمترین آنها دو نوعند: یکی الکل اتیلیک که در تمام نوشابه های خمری، شراب و عرق و امثال آنها موجود است و از شراب انگور یا کشمش گرفته می شود و آن را الکل سفید هم می گویند، دیگر الکل متیلیک که از تقطیر چوب بدست می آید و آن را عرق چوب هم می گویند، قابل شرب نیست و در صنعت و طب به کار می رود.^۲

۷ مهمترین الکل

الکل اتیلیک، اتانول ($C_2H_5.OH$)

الکل اتیلیک، یکی از الکل های مهم می باشد که به مقدار زیاد جهت استفاده در صنعت و مشروبات به وسیله تخمیر مایعات قندی تهیه می شود. اتانول در $78/3$ درجه سانتی گراد به جوش می آید و در 114 درجه ذوب می شود.

اگر واژه الکل بدون هیچ پسوند یا پیشوندی به کار رود، مقصود الکل اتیلیک یا اتانول است که معروفترین انواع الکل می باشد. اتانول به طور طبیعی و به مقدار بسیار کم در نان ($0/5$ درصد)، مغز انسان و گیاهان وجود دارد. علاوه بر مخمر و بعضی باکتریها، بدن انسان نیز مقدار چشمگیری الکل تولید می کند. در اکثر موارد، تمام این تولید، مربوط به میکروبهای موجود در روده انسان است.^۳

۷ روش های تهیه الکل

اتیل الکل یا اتانول از راههای گوناگون تهیه می شود. به طور کلی می توان گفت دو روش برای تهیه الکل وجود دارد: روش طبیعی (تخمیر) و روش صنعتی.

(روش طبیعی)

چند هزار سال است که اتیل الکل، یعنی الکلی که در نوشابه های الکلی وجود دارد از سرشتن و خمیر کردن قندهای طبیعی و نشاسته به دست می آید. هم اکنون نیز بخش بزرگی از اتیل الکل مورد نیاز جهان از این راه تهیه می شود. برای مثال، بر روی پوست دانه های انگور، مخمری وجود دارد که وقتی دانه های انگور را خرد می کنند، توسط این مخمر آنزیمی تولید می شود که موجب تخمیر قند انگور (گلوکز) می شود و شراب به وجود می آید که درجه الکلی بسیار پایینی دارد.

۳ - حسن عمید ، فرهنگ فارسی عمید ، ص ۱۱۳۹.

۴ - ابوالحسن شیخ ، شیمی آلی (ارگانیک) ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۳۰ ، جلد ۱ ، ص ۱۱۴.

۵ - همان ، ص ۱۱۹-۱۱۷.

استفاده از غلات نیز یکی از راه های تولید الکل اتیلیک به شمار می آید. درحقیقت پدیده تخمیر چیزی جز تجزیه قند نیست. قند به صورتهای گوناگون در طبیعت یافت می شود: انگور، کشمش، خرما، جو، برنج، سیب زمینی، ذرت و مانند این ها که میزان زیادی قند در بردارند و لذا می توانند منابع اولیه جهت تهیه مایع الکلی باشد. نتیجه فرایند تخمیر، مایعی است که عمدتاً محتوی آب و الکل است که آن را خمر می نامیم.^۱

(روش صنعتی)

مواد اولیه جهت تهیه الکل به روش صنعتی، از منابع طبیعی نظیر نفت، گاز طبیعی، ذغال سنگ و... به دست می آید. این مواد طی فرآیندهای گوناگون و احیاناً پیچیده به الکل تبدیل می شوند.

در این فرایند ها ماده ای به نام استیلن ($CH=CH$) در مجاورت جیوه با آب ترکیب شده و ماده دیگری به نام استالدئید یا اتانول به دست می آید، سپس ماده مزبور را با هیدروژن ترکیب و اتانول یا اتیل الکل به دست می آورند. هم چنین ماده دیگری به نام اتیلن ($CH_2=CH_2$) را در مجاورت اسید سولفوریک با آب ترکیب و از آن اتیل الکل تهیه می کنند. هر دو ماده مزبور (اتیلن و استیلن) از فرآورده های نفتی می باشند.^۲

کاربردها و فواید الکل

از الکل به عنوان پر مصرف ترین ماده شیمیایی در فرایند ساخت، سنتز، جدا سازی و تولید می توان نام برد.

در صنعت، الکل را جهت تهیه لاک، ورنی و رنگهای انیلین و ساخت دارو به کار می گیرند.^۳

الکل در آزمایشگاه ها به عنوان سوخت کاربرد دارد ولی استفاده از آن برای این منظور به صرفه نیست الکل نه تنها فرآورده ای برای مصرف، بلکه در تهیه فرآورده هایی همچون دهان شوی، دمای سرفه، ضد عفونی کننده ها، پاک کننده ها و داروی موی سر مورد استفاده قرار می گیرد.

اخیراً الکل، به عنوان سوخت ذخیره ای جانشین بنزین یا گازوئیل به میزان زیادی مورد بررسی قرار گرفته است.^۴

۱- حسن وحدتی شبیری ، الکل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، پاییز ۱۳۷۶، ص ۳۳.

۲- همان ، ص ۲۵.

۱- ابوالحسن شیخ ، شیمی آلی (ارگانیک) جلد ۱، ص ۱۲۴.

۲ - بهرام نصر اصفهانی ، کپک ها و مخمرها ، ص ۸۰- ۷۹ .

الکل بهترین حلال آلی است و لذا در آزمایشگاه ها و صنایع داروسازی کاربرد بسیار زیادی دارد. در مواردی نیز الکل جهت محافظت از رشد میکروبی در فرآورده های دارویی، ساخت روکش قرصها و ضد عفونی کننده پوست به کار می رود.^۱

در پزشکی، الکل جهت ضد عفونی کردن ابزارهای طبی و غیره به کار گرفته می شود. به علاوه قطعات تشریحی را به خوبی می توان در الکل از گندیدن و عفونت محافظت نمود. همچنین الکل در ساختن ادکلن ها و لوازم آرایشی نیز کاربرد فراوان دارد.

الکل اتیلیک (اتانول) ماده آرام بخش و خواب آوری است که به عنوان یک داروی اجتماعی مصرف می شود.^۲

ضررهای الکل

پیتر کوپر در این زمینه می نویسد: «الکل از تمام راهها جذب بدن می شود ولی جذب آن از راه دهان و معده بسیار کم است. روده کوچک ۸۰ درصد یا بیشتر مقدار خورده شده را جذب می کند. کم تر از ۱۰ درصد بی تغییر از راه ادرار و تنفس دفع می شود. الکل در بافتها به سرعت منتشر شده و در حدود ۸ گرم در ساعت اکسید و به گاز کربنیک و آب تبدیل می شود.»^۳

مهمترین اثر الکل تخدیر یعنی تضعیف فعالیت های بدن و کاستن از دقت در انجام رفتارهای گوناگون است. در کتابهای علمی نیز الکل را در ردیف تخدیر کننده ها هم چون اتر و غیره می آورند.^۴

از دیدگاه متخصصین اعصاب و روان، الکل، عالی ترین اعمال توقفی را فلج می کند و انسان را به سیرت و منش عاری از ملکات اخلاقی و بری از دانش و بینش سوق می دهد، استعمال الکل موجب دگرگونی در شخصیت انسان می شود و انسان با شرم و حیا را افسار گسیخته و بی بند و بار می نماید.

عوارض مصرف الکل، غالباً منشأ ارتکاب اعمال شنیع و جرایم می گردد. طبق مطالعاتی که مؤسسات جرم شناسی به عمل آورده اند، اغلب جنایات جنسی و در حدود ۷۰ درصد جرایم ضرب و جرح و ۸۰ درصد قتل ها، خودآزاری و دیگر آزاری ها در اثر استعمال نوشابه های الکلی واقع می شوند.

۳ - حسن وحدتی شپیری ، الکل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۳۲.

۴ - حسینعلی آذر آبادگان ، بررسی علمی و فقهی الکل ، کاوشی نو در فقه اسلامی ، شماره ۳۲ - ۳۱ ، ۱۳۸۱، ص ۲۳۲ .

۱ - پیتر کوپر، مسمومیت به وسیله دارو های شیمیایی ، ترجمه مرتضی فرخ سیر و محمد خویی ، چاپ دوم ۱۳۶۱، ص ۱۶۲.

۲ - جی . اچ . برن ، مبانی فارما کولوژی ، ترجمه مرتضی فرخ سیر و محمود بهزاد ، ص ۶۵.

از دیاد تصادف و سالیط نقلیه در کشورهای که مجاز به نوشیدن الکل هستند بر اثر مستی رانندگان مزاحم است و روی همین اصل، استعمال مشروبات الکلی را اغلب قوانین ممنوع دانسته یا محدود کرده اند.^۱

علاوه بر این ها، مشروبات الکلی بزرگترین ضربه را بر پیکر اخلاق وارد می سازد؛ زیرا معتاد به شراب، انسانی بداخلاق، بدزبان، بی توجه به حریم ها و خطوط قرمز و حرمت هاست، به همه قوانین و مقرراتی که پایه سعادت بشری است پشت پا می زند و از بی عفتی، جنایت و خیانت باکی ندارد و چون در هنگام مستی نیروی تشخیص و تمیز خوبی و بدی را از دست می دهد هر خلاقی را مرتکب می شود.^۲

حضرت امام صادق علیه السلام در جواب مفضل - که از علت حرمت شراب پرسیده بود - فرمود : ((حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ لِفَعْلِهَا وَ فَسَادِهَا لِأَنَّ مُدْمِنَ الْخَمْرِ تُورِثُهُ الْإِرْتِعَاشَ وَ تَذْهَبُ بِنُورِهِ وَ تَهْدِمُ مَرْوَتَهُ وَ تَحْمِلُهُ أَنْ يَجْسُرَ عَلَى ارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ وَ سَفْكِ الدِّمَاءِ وَ رُكُوبِ الزِّنَا وَ لَا يُؤْمَنُ إِذَا سَكِرَ أَنْ يَتَّبَعَ عَلَى حَرَمِهِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ ذَلِكَ وَ لَا يَزِيدُ شَارِبَهَا إِلَّا كُلَّ شَرٍّ)).^۳؛ خداوند شراب را به علت تأثیر بد و فسادی که به وجود می آورد حرام کرد؛ زیرا میگسار دچار رعشه [اندام] می شود، نورانیت دلش از بین می رود، مروت و مردانگی را از دست می دهد، در ارتکاب کارهای حرام و خونریزی و زنا گستاخ و بی پروا می شود و ممکن است در حال مستی و نابخردی به محارم خود تجاوز کند، شراب برای شراب خوار جز شر و بدی ثمری ندارد.

در نكوهش این سم مهلك همین بس كه با بزرگترین سرمایه بشر و وسیله امتیاز او بر سایر جانداران یعنی عقل و خرد، سر جنگ و مبارزه دارد. زیان هایی كه شراب به قوه عاقله و درآكه وارد می سازد و تصرفاتی كه در افكار و اندیشه های انسان می كند و مجرای ادراك را چه در حال مستی و چه بعد از آن به انحراف می كشاند برای هیچ كس قابل انكار نیست.^۴

۳ - سعید حكمت ، روان پزشکی کیفری ، تهران ، انتشارات گوتنبرگ، چاپ اول ، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲.

۴ - علی مؤیدی ، از شراب چه می دانیم ، تهران ، انتشارات حسنین ، بهار ۱۳۸۳، ص ۴۲ .

۱ - محمد بن حسن (حر عاملی)، وسائل الشیعه ، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق، جلد ۲۵، ص ۳۰۵ ، ح ۳۱۹۷۰ ؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۷۶، ص ۱۳۶، حدیث ۳۳.

۲ - جعفر سبحانی ، فروغ ابدیت ، نشر دانش اسلامی ، اسفند ۱۳۶۳، جلد ۲ ص ۹۹ (حوادث سال چهارم هجرت) .

تحریم تدریجی شراب در قرآن کریم

در دوران جاهلیت و قبل از ظهور اسلام، شراب خواری رواج فراوانی داشت و به صورت بلایی عمومی درآمد بود. برخی از تاریخ نگاران گفته اند عشق عرب جاهلی در شراب و شمشیر خلاصه می شد. از برخی روایات استفاده می شود که تحریم شراب و ممنوعیت آن برای عده ای از مسلمانان بسیار گران بود تا جایی که می گفتند: «هیچ حکمی بر ما سنگین تر از تحریم شراب نبود.»^۱

به علت رواج شراب خواری در جامعه جاهلیت عربستان، آیاتی که دلالت بر تحریم شراب می کرد به تدریج نازل می شد؛ زیرا برای مبارزه با مفسده های اجتماعی و اخلاقی، که جامعه به شدت به آن آلوده است بهترین راه آن است که با زمینه سازیهای اولیه، آمادگی های تدریجی در افراد ایجاد گردد و سرانجام حکم نهایی اعلام شود. بی تردید اگر اسلام بدون رعایت اصول روانی و اجتماعی، به مبارزه با این بلای بزرگ و عمومی برمی خواست موفق نمی شد.

بدین جهت از روش تحریم تدریجی و آماده سازی افکار عمومی بهره جست، یعنی نخست آن را نوشیدنی نامطلوب معرفی کرد:

﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا﴾^۲؛ از میوه های درخت نخل و انگور، مسکرات و روزی های پاکیزه فراهم می کنید.

در اینجا «سکر» یعنی مسکر و شرابی را که از انگور و خرما می گرفتند، درست در مقابل رزق حسن قرار داده شده است و آن را یک نوشیدنی ناپاک و آلوده شمرده است.

در مرحله بعد با سنجیدن سود و زیان آن با یکدیگر زیان های آن را بیشتر دانست و دومین دستور در زمینه منع شراب خواری به صورت قاطع تری نازل گشت تا افکار عمومی را برای تحریم نهایی آماده تر سازد و در این زمان این آیه نازل گشت: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...﴾^۳؛ درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو در آن ها گناه و زیان بزرگی

۳ - ناصر مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، تهران دارالکتب الاسلامیه ، چاپ ۱۳۸۵ ، جلد ۵ ، ص ۹۱ .

۱ - نخل (۱۶) ، آیه ۶۷ .

۲ - بقره (۲) ، آیه ۲۱۹ .

است و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بر دارد؛ ولی گناه آن ها از نفعشان بیشتر است.

سپس از نماز خواندن در حال مستی، مسلمانان را منع می کند و این آیه را نازل می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...﴾^۱؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می گوئید.

البته مفهوم این آیه آن نبود که در غیر حال نماز، نوشیدن شراب مجاز است؛ بلکه برنامه همان برنامه تحریم تدریجی و مرحله به مرحله بود و به عبارت دیگر این آیه نسبت به غیر حال نماز سکوت داشت و صریحاً چیزی نمی گفت.

در پایان، دستور نهایی با صراحت کامل و بیان قاطع نازل شد حکم به حرمت آن داد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۲؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت ها و ازالام، پلید و از عمل شیطان است از آن ها دوری کنید تا رستگار شوید. و در آیه بعد به پاره ای از زیان های آشکار شراب و قمار پرداخته می فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ﴾^۳؛ شیطان می خواهد از طریق شراب و قمار میان شما تخم عداوت و دشمنی بپاشد و شما را از نماز و ذکر خدا باز دارد.

نجاست خمر

درباره نجاست خمر دو نظریه وجود دارد: ۱- نجاست ۲- شک در نجاست و در نتیجه حکم به طهارت .

منشأ شک، اشکال در ادله نجاست و هم چنین وجود دلیل روایی بر طهارت آن است. از این رو به جاست ابتدا ادله دو طرف را بررسی کرده و آن گاه به ارزیابی دلایل بپردازیم:

۳ - نساء (۴) ، آیه ۴۳ .
۴ - مائده (۵) ، آیه ۹۰ .
۱ - مائده (۵) ، آیه ۹۱ .

دلایل نظریه نجاست خمر و ارزیابی آن ها - (کتاب مجید

همان طور که بیان شد، آیه ۹۰ سوره مائده در زمینه حرمت نوشیدن و نجاست خمر نازل شده است. در آیه چنین می خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ ای اهل ایمان! شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گروه بندی همه اینها پلید و از عمل شیطان است از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.

استدلال به آیه مزبور بر دو نکته استوار است:

اول اینکه واژه رجس مترادف با نجاست است و یا حداقل به معنای پلیدی است که شامل نجاست ظاهری و شرعی می باشد.

دوم آن که اجتناب به معنای آن است که در هر جانبی که خمر بود ما در جانب دیگر باشیم و این مستلزم دوری گزیدن از خمر به همه شکل های آن است. از سوی دیگر، ظاهر امر بر انجام کاری، واجب بودن آن است و در نتیجه وجوب اجتناب و پرهیز از خمر، نجس بودن این مایع است.^۱

بدین ترتیب از دو طریق می توان به آیه ۹۰ سوره مائده برای اثبات نجاست خمر استدلال کرد. در عین حال این استدلال با چندین اشکال مواجه است:

- خود آیه، واژه «رجس» را تفسیر کرده که عمل شیطانی است، پس باید به تناسب آن، موضوع یا مبتدا یک «عمل» باشد؛ مثلاً «شرب» خمر و نوشیدن آن یک عمل شیطانی و پلید است چنان که پرستش بت ها و به کارگیری ازلام (تیرهای مخصوص تفأل) کار شیطانی می باشد.

بدیهی است «عمل» اگر پلیدی داشته باشد، پلیدی معنوی خواهد بود و نجاست اعتباری شرعی نمی توان برای آن تصور کرد.^۲ مگر این که «عمل شیطان» را به معنای نتیجه عمل شیطان بگیریم؛ یعنی خمر و آلات قمار و... ساخته و پرداخته دست شیطان است. در این صورت «رجس» می تواند شامل ناپاکی ظاهری و شرعی نیز باشد ولی این توجیه، بر خلاف ظاهر آیه و دور از سیاق آن است.^۳

۱- ابوالقاسم جعفر بن حسن حلی (محقق حلی)، المعتمد فی شرح المختصر، انتشارات مؤسسه سید الشهداء، جلد ۱، ص ۴۲۳.

۲- ابو علی الفضل بن الحسن (طبرسی)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، ۵۱۴۰۸ ق، جلد ۳، ص ۳۷۰.

۳- حسن وحدتی شبیری، الكل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۴۵.

- کلمه «رجس» باید دارای معنایی باشد که بر تمامی موارد مذکور در آیه منطبق شود. در حالی که اگر آن را به معنای نجاست شرعی بگیریم، قابل انطباق بر آلات قمار و انصاب و ازلام نیست چرا که این اشیاء قطعاً نجس نمی باشد.

- بر فرض، واژه «رجس» هم اکنون در معنای قذارت و نجاست شرعی هم به کار رود، معلوم نیست در زمان نزول آیه، در آن معنا کاربردی داشته است. البته در برخی روایات، کلمه رجس در معنای نجاست شرعی به کار رفته؛ مثلاً در مورد سگ می گوید: «رَجْسٌ نَجْسٌ»^۱ و در مورد خمر گفته است: «لَا تُصَلِّ فِيهِ فَإِنَّهُ رَجْسٌ»^۲ ولی صرف استعمال با قرینه در یکی دو مورد، معنای حقیقی این واژه را اثبات نمی کند و لذا گفته اند استعمال اعم از حقیقت است.

(- دلیل روایی (سنت)

روایات فراوانی از طریق اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده است که هر یک به گونه ای نجاست خمر را در بر دارد. در اینجا تنها به نقل روایاتی که از جهت دلالت و سند قابل استناد است اکتفا می کنیم. این روایات معمولاً در دو باب ذکر می شوند: یکی ابواب مربوط به نجاسات و دوم ابواب مربوط به نوشیدنی های حرام (اشربه محرمة).

● در روایت صحیح، عبدالله بن سنان از پدرش نقل می کند که وی از امام صادق علیه السلام چنین پرسید که شخصی لباس خویش را به کسی که گوشت جری (مار ماهی) می خورد و یا خمر می نوشد، عاریه می دهد و آن را باز پس می گیرد، آیا می تواند قبل از شستشو در آن نماز بخواند؟ امام علیه السلام می فرماید: «لَا يُصَلِّي فِيهِ حَتَّى يَغْسِلَهُ»^۳

بدیهی است جایز نبودن نماز در لباس مزبور (که مستفاد از ظاهر نهی است) دلیلی به جز نجاست آن نمی تواند داشته باشد؛ به عبارت دیگر این مثل طلا و یا حریر نیست که همراه بودن آن ها با نمازگزار، مانع درستی نماز می باشد. به ویژه که خمر هم اکنون خشک شده و عین آن باقی نمانده است. نهایت حکم مذکور در جایی است

۴- وسائل الشیعه، جلد ۳، ابواب نجاسات، باب ۱۲، حدیث ۴۰۲۶، ص ۴۱۵.

۵- همان، باب ۳۸، حدیث ۴۲۰۰، ص ۴۶۹.

۱- وسائل الشیعه، جلد ۳، ابواب نجاسات، باب ۳۸، حدیث ۴۱۹۷، ص ۴۶۸. حدیث (۴۱۹۸) همین باب نیز، می تواند دلیل بر نجاست خمر قرار گیرد.

که عاریه دهندۀ بدانند که لباس او آلوده به خمر شده است و در صورت شک، اصل طهارت در آن جاری خواهد بود

● در موثقۀ عمار ساباطی، امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا تُصَلِّ فِي بَيْتٍ فِيهِ خَمْرٌ وَلَا مُسْكِرٌ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُهُ وَلَا تُصَلِّ فِي ثَوْبٍ قَدْ أَصَابَهُ خَمْرٌ أَوْ مُسْكِرٌ حَتَّى يُغْسَلَ»^۱؛ در خانه ای که خمر و یا مسکر دیگری وجود دارد نماز نخوان، زیرا ملائکه در چنین خانه ای وارد نمی شوند و در لباسی که آلوده به خمر و یا مسکر دیگری است نماز نخوان تا این که شسته شود.

ظاهر نهی از نماز خواندن در لباس آلوده به خمر، چنان که گفته شد نجس بودن آن است و این که حکم اول (یعنی نماز خواندن در خانه ای که خمر در آن وجود دارد) کراهت بیش نیست، ضرری به استفاده آن چه گفتیم از روایت ندارد، چرا که در آن دو حکم جداگانه ذکر شده است.

البته می پذیریم که این دوگانگی ظهور قوی این روایت را تا اندازه ای دچار تزلزل می کند ولی به حدی نیست که آن را از امکان استدلال ساقط کند.^۲

● در موثقۀ دیگر از عمار ساباطی از امام صادق علیه السلام درباره ظرفی که که قبلاً در آن شراب بوده می پرسد که آیا می توان اکنون در آن سرکه یا «آبکامه»^۳ یا زیتون ریخت؟ امام علیه السلام می فرماید: «إِذَا غُسِلَ فَلَا بَأْسَ»؛ هرگاه شسته شود ایرادی ندارد. در خصوص ابریق نیز همین را می گوید. اما درباره قدح یا ظرفی که در آن خمر می نوشیده اند می فرماید: «تَغْسِلُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»؛ سه مرتبه آن را می شویی. بلکه در پاسخ به این سؤال که آیا آب ریختن به تنهایی کفایت می کند یا نه؟ تأکید می کنند: «لَا يُجْزِيهِ حَتَّى يَدُلُّكَ بِبِدِهِ وَ يَغْسِلَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»؛ ریختن آب به تنهایی کافی نیست مگر آن که دست بکشد و سه بار آن را بشوید.^۴

● در صحیحۀ محمد بن مسلم از استفاده از ظروف اهل ذمه و مجوس که در آنها خمر می نوشند نهی شده است.^۵ در اینجا توصیف ظرف های اهل ذمه به این که در

۲- همان، حدیث ۴۲۰۳، ص ۴۷۰.

۱- حسن وحدتی شبیری، الكل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۴۸.
۲- در حدیث «ماء کامخ» آمده به معنای نان خورشی که برخی آن را ترشیجات اشتها آور دانسته اند. (ر.ک: لغت نامه دهخدا، جلد ۱، ص ۱۳).

۳- وسائل الشیعه، جلد ۳، باب ۵۱، حدیث ۴۲۷۲، ص ۴۹۴.

۴- همان، باب ۷۲، حدیث ۴۳۳۷، ص ۵۱۸.

آن ها خمر می نوشند، می رساند که نوشیدن خمر علت حکم است و بعید است که نوشیدن خمر، موضوعیت داشته باشد. بلکه علت اصلی نجس بودن خمر می باشد.

• در صحیحہ عبدالله بن سنان از امام علیه السلام پرسیده می شود که: لباس را به کافر دمی که خمر می نوشد و گوشت خوک می خورد عاریه می دهم و او باز می گرداند. حضرت می فرماید: « صَلِّ فِيهِ وَلَا تَغْسِلُهُ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ فَإِنَّكَ أَعْرَتَهُ إِيَّاهُ وَهُوَ طَاهِرٌ وَلَمْ تَسْتَيْقِنْ أَنَّهُ نَجَسُهُ... »^۱؛ در آن نماز بخوان و به این خاطر آن را نشوی زیرا هنگامی که تو آن را به عاریت دادی پاک بود و اکنون یقین به نجاست آن نداری ...

این روایت که از ادله اصل استصحاب نیز به شمار می رود می رساند نجاست خمر در ذهن مردم مسلمان معهود بوده و از خصوصیات آن سؤال کرده اند.

• و سرانجام در صحیحہ حلبی، خمر به منزله چربی خوک دانسته شده است. واطلاق آن می رساند که خمر در همه احکام حتی نجاست به منزله گوشت خوک است.^۲

نقل این چند روایت به عنوان نمونه بود وگرنه روایات دیگری نیز در کتابهای فقهی مطرح شده که به دلیل خودداری از طولانی شدن بحث، از نقل آنها خودداری شده است.^۳

— (اجماع

یکی از دلایلی که معمولاً برای اثبات نجاست خمر مطرح می شود، اجماع است. صاحب جواهر از کسانی است که بر این دلیل تأکید می ورزد.^۴

در میان پیشینیان، اولین فقیهانی که سخن از اتفاق فقها در مسئله نجاست خمر به میان آورده اند یکی سید مرتضی است که می گوید: « میان مسلمانان خلافتی در این

۱- همان، باب ۷۴، حدیث ۴۳۴۸، ص ۵۲۱.

۲- همان، جلد ۲۵، ابواب اشربه محرمة، باب ۲۰، حدیث ۳۲۰۸۴، ص ۳۴۵.

۳- ر.ک: وسائل الشیعه، جلد ۳، ابواب نجاسات، باب ۳۰، ۳۸؛ جلد ۲۵، ابواب اشربه محرمة، باب ۱۸، ۳۷؛ ابواب اطعمه محرمة، باب ۶۲.

۴- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش، جلد ۲، ص: « والمشهور نقلاً و تحمیلاً قديماً و حديثاً بیننا و بین غیرنا شهره کادت تكون اجماعاً بل هی كذلك النجاسة ».

مسئله نیست مگر افراد نادری که اعتباری به قول آنها نمی باشد.^۱ هم چنین شیخ طوسی و آن گاه ابن ادریس و بعد از او فقیهان دوره های بعد، هر یک همین ادعا را تکرار کرده اند.^۲

دلایل نظریه طهارت خمر و ارزیابی آن ها

نظریه طهارت خمر با فرض حرمت آن، در میان هر دو گروه (امامیه و اهل سنت) طرفدارانی دارد، هر چند تعداد آنها محدود است.

از میان امامیه، کسانی چون شیخ صدوق^۳ و ابن ابی عقیل^۴، از پیشینیان و محقق اردبیلی^۵ و غیر او از متأخران، نوشیدن خمر را حرام ولی آن را پاک می دانند.

دلایل این گروه نیز هم چون تعدادشان، محدود است و از دلیل روایی تجاوز نمی کند، ما نیز در اینجا تنها به روایاتی که از لحاظ سند و دلالت معتبرند اکتفا می کنیم:

▲ در روایت حسن بن ابی ساره از امام علیه السلام سؤال می کند: مقداری خمر به لباسم اصابت کرده است، آیا می توانم قبل از شستشو در آن نماز بخوانم؟ امام علیه السلام پاسخ می دهد: «... لَا بَأْسَ إِنْ الثَّوْبَ لَا يُسْكِرُ». چنان که می بینیم امام علیه السلام نماز در لباسی که خمر به آن رسیده را بدون نیاز به شستشو تجویز می نماید و این دلیلی به جز طهارت خمر نمی تواند داشته باشد.

▲ در موثقه ابی بکیر آمده: من نزد امام صادق علیه السلام بودم که شخصی از حضرت در خصوص مسکر و نبیذ که به لباس رسیده سؤال نمود، امام علیه السلام پاسخ داد: «... لَا بَأْسَ». ^۷ مقصود امام علیه السلام از این جمله (اشکالی ندارد) چیزی جز نماز خواندن

۵ - علی اصغر مروارید، سلسله الینابیع الفقهیه، (منابع اولیه فقه امامیه)، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۰ق، جلد ۱، ص ۱۴۵، الناضریات، مسأله ۱۶: «الخمر نجسه و کل شراب یسکر کثیره، لا خلاف بین المسلمین فی نجاسه الخمر الا ما یحکی عن شذاذ لا اعتبار بقولهم».

۶ - محمد بن ادریس حلی، السرائر، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق، جلد ۱، ص ۱۷۸؛ رک: علامه حلی، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق، جلد ۱، ص ۶۴.

۱ - شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، جلد ۱، ص ۴۳.

۲ - رک: شهید اول، الدروس الشرعیه، جلد ۱، ص ۱۲۴؛ محقق حلی، المعترفی شرح المختصر، جلد ۱، ص ۲۲۴.

۳ - رک: احمد بن محمد اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ق، جلد ۱، ص ۳۰۹.

۴ - وسائل الشیعه، جلد ۳، ابواب نجاسات، باب ۳۸، حدیث ۴۲۰۶، ص ۴۷۱.

۵ - همان، حدیث ۴۲۰۷، ص ۴۷۱.

در لباس مزبور نیست و همان طور که گفتیم این پاسخ در ذهن یک فرد مسلمان طهارت خمر را تداعی می کند. نهایت این حدیث اعم از خمر و سایر مشروبات الکلی است و به اطلاق خویش شامل آن نیز می گردد.

▲ در روایت که به طرق معتبر از دو امام همام، باقر و صادق علیهما السلام نقل شده، پرسیده اند: ما لباس هایی را خریداری می کنیم که در نزد بافندگان آنها آلوده به خمر و پیه خوک می گردد، آیا می توانیم قبل از شست و شو در آن نماز بخوانیم؟ هر دو امام علیهما السلام در پاسخ می گویند: «... نَعَمْ لَا بَأْسَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ أَكْلَهُ وَ شُرْبُهُ وَ لَمْ يُحَرِّمْ لُبْسَهُ وَ مَسَّهُ وَ الصَّلَاةَ فِيهِ.»^۱؛ ایرادی ندارد؛ خداوند خوردن و نوشیدن آن را حرام کرده ولی پوشیدن و تماس با آن و نماز در آن را تحریم نکرده است.

اشکالی در دلالت این حدیث در خصوص خمر نیست. جز این که در کنار آن، شحم خنزیر (پیه خوک) نیز پاک دانسته شده و این قطعاً مخالف با حکم واقعی است و این اعتبار روایت را تا حدودی متزلزل می سازد.

▲ در صحیحہ علی بن رثاب، از امام صادق علیه السلام می پرسد: خمر و نبیذ به لباسم رسیده، آیا می توانم در آن نماز بخوانم یا آن که قبلاً باید آن را بشویم؟ حضرت می فرماید: «... صَلِّ فِيهِ إِلَّا أَنْ تَقْدَرَهُ فَتَغْسِلَ مِنْهُ مَوْضِعَ الْأَثَرِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِنَّمَا حَرَّمَ شُرْبَهَا»^۲ چنان که دیدیم تجویز نماز در چنین لباسی در ذهن فرد مسلمان چیزی جز پاک بودن خمر را تداعی نمی کند.

راه های حل تعارض میان روایات

۱ - همان، حدیث ۴۲۰۹، ص ۴۷۳.

۲ - همان، حدیث ۴۲۱۰، ص ۴۷۳.

وجود تقيه در روایات طهارت (مرجّح علاجی)

بیشتر فقیهان برای حل تعارض میان دو دسته روایات مورد بحث، راه حل تقيه را در پیش گرفته اند هر چند آن را به صورت های گوناگون تبیین کرده اند. برخی به دلیل این که عده ای از فقیهان عامه قائل به طهارت بوده اند، روایات طهارت را حمل بر تقيه کرده اند^۱ و بعضی دیگر، روایات طهارت را با عمل سلاطین وقت، سازگار یافته و آن ها را بر تقيه حمل کرده اند.^۲

حکومت مکاتبه علی بن مهزیار

بیشتر فقیهان متأخر، تنها راه حل تعارض میان روایات مربوط به طهارت و نجاست خمر را، مکاتبه علی بن مهزیار دانسته اند.^۳

این مکاتبه با سه سند به دست ما رسیده است، در یکی از آنها «سهل بن زیاد» واقع شده که موثق نمی باشد اما سند های دیگر صحیح است. وی می گوید: در نامه عبدالله بن محمد به امام هادی علیه السلام دیدم که نوشته بود فدایت گردم؛ زراره از ابو جعفر و ابو عبدالله (امام باقر و امام صادق علیهما السلام) در خصوص خمر که به لباس رسیده نقل می کند که: نماز در آن اشکالی ندارد، زیرا تنها نوشیدن خمر حرام شده است و غیر زراره از ابو عبدالله علیه السلام نقل می کند که فرموده است: هرگاه به لباس خمر یا نبیذ مست کننده رسید، چنان چه محل اصابت را می دانی همان را بشوی و اگر موضع آن را نمی دانی تمامش را شستشو ده و اگر در آن لباس نماز خوانده ای آن را اعاده کن. اماما! بفرما تا کدام یک از این دو حدیث را اخذ کنیم؟ علی بن مهزیار می گوید: امام علیه السلام به خط خویش مرقوم فرموده بود و من آن را خواندم که: «خُذْ بِقَوْلِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام»، یعنی به قول امام صادق علیه السلام اخذ کن.^۴

توضیح این که مقصود از قول امام صادق علیه السلام «خُذْ بِقَوْلِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام» اشاره به روایت دوم است که تنها از امام صادق علیه السلام نقل شده است، زیرا روایت اول مشترک میان دو امام است و اگر عبارت «خُذْ بِقَوْلِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام»

۱ - شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، جلد ۱، ص ۲۸۰؛ ابن ادریس، السرائر، جلد ۱، ص ۱۸۰.

۲ - محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، جلد ۶، ص ۹، آیه الله خوئی، تنقیح العروة، جلد ۲، ص ۹۱.

۳ - شیخ حسن فرزند شهید ثانی در کتاب منتقى الجمان در باب نجاست خمر، تنها دلیل بر آن را همین روایت دانسته است. ر.ک: منتقى الجمان، حسن بن زید الدین، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، جلد ۱، ص ۸۶.

۴ - وسائل الشیعه، جلد ۳، ابواب نجاسات، باب ۳۸، حدیث ۴۱۹۸، ص ۴۶۹.

شامل روایات مشترک از دو امام نیز بشود سؤال کننده در تحیر باقی مانده و می بایست بار دیگر از امام تفسیر بخواهد.^۱

نجاست سایر مشروبات الکلی

تردید نیست که اگر بر یک مایع مست کننده عرفاً، لفظ «خمر» صادق باشد، بر طبق بحث های گذشته، حرام و نجس می باشد. ولی اگر مایعی سکر آور باشد ولی لفظ «خمر» بر آن اطلاق نشود، آیا آن نیز تمامی احکام خمر را دارد؟ مثلاً آیا نوشیدن قطره ای از آن، هر چند فعلاً مستی به بار نیاورد حرام است و نوشیدن آن مجازات اسلامی در پی خواهد داشت؟

در مذهب امامیه، نوشیدن حتی یک قطره از هر نوع مشروب سکرآور، حرام و مستوجب مجازات هشتاد تازیانه است و مخلوط کردن آن با آب، حکم مزبور را تغییر نمی دهد.

دلیل این امر، وجود روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام است.^۲ خواه آیه تحریم را شامل همه مشروبات سکر آور بدانیم و یا آن را اختصاص به شراب انگوری بدهیم.

حکم نجاست انواع الکلی

الف) الکلی صنعتی

الکلی صنعتی، الکلی است که از طریق صنایع نفت و پتروشیمی به دست می آید و واقعیت این است که الکلی صنعتی از لحاظ ماهیت شیمیایی هیچ تفاوتی با الکلی تخمیری ندارد، منتها بر الکلی صنعتی قطعاً لفظ خمر صادق نیست. در حالی که الکلی تخمیری از آن جهت که از تقطیر بخار خمر به دست آمده، احتمال آن می رود که عنوان خمر بر آن صادق باشد.

به نظر می رسد که الکلی صنعتی را نمی توان مصداق «مسکر» دانست هر چند ماده آن، عامل اصلی و مؤثر در مایعات مست کننده است و این نه به خاطر آن است که به الکلی صنعتی مواد سمی و بدبو کننده هم چون متانول افزوده اند بلکه بدین خاطر است که غلظت الکلی به قدری بالاست که به فرض که مواد افزودنی هم در آن نباشد،

۱- علی غروی تبریزی، (تقریر بر بحث آیه الله خوئی)، تنقیح فی شرح العروه الوثقی، جلد ۲، ص ۹۳.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۲۵، ابواب اشربه محرمة، باب ۱۵، ص ۳۲۵، حدیث ۳۲۰۲۵: «... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ مُشْكِرٍ حَرَامٌ قَالَ قُلْتُ أَضْلَحَكَ اللَّهُ (كُلُّهُ قَالَ) نَعَمْ الْجُرْعَةُ مِنْهُ حَرَامٌ»؛ همان، باب ۱۷.

باز هم نوشیدن آن به هر مقدار، باعث مسمومیت است. لذا عرفاً به این ماده مسکر اطلاق نمی شود.^۱

نگاهی به فتوای فقیهان درباره الکلی صنعتی

در ادامه بحث مناسب است نظری به فتاوی فقیهان معاصر در خصوص الکلی صنعتی بیفکنیم و به مقایسه نظریات گوناگون در این زمینه پردازیم.

امام خمینی رحمته الله در این مورد می گویند: «الکلی صنعتی که برای رنگ کردن در و میز و صندلی و مانند آن ها به کار می برند، اگر انسان نداند از چیزی که مست کننده و روان است درست کرده اند پاک می باشد.»^۲

آیه الله بهجت و آیه الله سیستانی نیز در رساله های عملیه خود همین نظر را دارند.^۳

بسیاری از رساله های دیگر نیز عبارتی شبیه به این عبارت دارند، در این جا صورت شک در موضوع بیان شده ولی با توضیحات گذشته معلوم شد که الکلی صنعتی از مایع مست کننده تهیه نمی شود بلکه از فرآورده های نفتی به دست می آید، بنابراین پاک می باشد. در استفتائات امام رحمته الله نیز آمده: «الکلی صنعتی پاک است مگر آن که یقین به نجاست آن پیدا شود.»^۴

اما در توضیح المسائل مرحوم آیه الله خوئی رحمته الله چنین آمده است: «الکلی صنعتی... اگر انسان نداند خودش به تنهایی مست کننده است پاک می باشد.»^۵ می بینیم در این جا منشأ تهیه الکلی مورد توجه نیست، بلکه صدق عنوان «مسکر» معیار نجاست قرار گرفته است.

آیه الله مکارم شیرازی نیز در این باره می گویند: «الکلی هایی که ذاتاً قابل شرب نیست یا جنبه سمی دارد نجس نیست ولی هر گاه آن را رقیق کنند و مشروب و مسکر باشد، نوشیدنش حرام است و احتیاطاً حکم نجس دارد.»^۶

ظاهراً نظر ایشان از الکلی که ذاتاً قابل شرب نیست، الکلی اتیلیک است که در صنعت مورد استفاده است نه الکلی چوب (یا الکلی متیلیک) زیرا الکلی چوب، مشروب و مسکر نیست هر چند با آب مخلوط گردد.

۱- حسن وحدتی شبیری، الکلی و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۹۲.
۲- محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، جلد ۱، ص ۸۰، مسأله ۱۱۲.
۳- محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، قم، انتشارات شفق، ۱۳۸۱، ص ۲۸، مسأله ۱۱۶؛ آیه الله سیستانی، توضیح المسائل، ص ۱۸، مسأله ۱۱۳.
۴- روح الله، مصطفوی خمینی (ره)، استفتائات، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶، جلد ۱، ص ۱۰۰، سؤال ۲۶۱.
۵- ابوالقاسم خوئی، توضیح المسائل، مسأله ۱۱۳.
۶- ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، قم، انتشارات هدف، ۱۳۷۳، ص ۳۱، مسأله ۱۲۵.

آیه الله خامنه ای نیز در پاسخ به این پرسش که آیا الکلی اتیلیک نجس است یا خیر؟ می فرمایند: «هر یک از اقسام الکلی که مست کننده و در اصل مایع باشد، بنابر احتیاط نجس است.»^۱ و ملاک نجس بودن الکلی را مست کننده و مایع بالاصاله بودن می دانند.

ب) الکلی تخمیری

درباره طرز تهیه الکلی تخمیری دیدیم که ماده اولیه آن مواد قندی هم چون انگور، کشمش و ... می باشد که با تخمیر آن ها، شراب به دست می آید؛ سپس شراب را در ظروف خاصی ریخته حرارت می دهند و چون دمای جوش الکلی پایین تر از آب است زودتر تبخیر شده و به حالت گازی در می آید؛ آن گاه بخارات الکلی را به لوله هایی که در مجاورت هوای سرد قرار گرفته است هدایت می کنند تا تقطیر شود و به حالت میعان درآید و بالآخره قطرات الکلی از مجرای لوله به ظرف دوم هدایت می شود و بدین ترتیب ذرات الکلی از شراب جدا می گردد.

بدیهی است که مباحث فقهی مربوط به الکلی تخمیری با بحث های مربوط به الکلی صنعتی تفاوت دارد، زیرا الکلی صنعتی از گاز اتیلن و استیلن تهیه می شد که اصولاً گاز قابلیت حکم به نجاست را ندارد بلکه تنها مشکل الکلی صنعتی، صدق عنوان مسکر بر آن بود.

ولی مشکل در این جا بیشتر است، زیرا ماده اولیه الکلی تخمیری را خمر و یا سایر مشروبات الکلی تشکیل می دهد که بیشتر فقیهان آن ها را نجس دانسته اند.

نگاهی به فتوای فقیهان درباره الکلی تخمیری

بیشتر مراجع در رساله های عملیه خود، الکلی حاصل از تقطیر خمر را نجس دانسته اند، زیرا می گویند الکلی صنعتی اگر انسان نداند از چیزی که مست کننده و روان است درست کرده اند پاک می باشد. بدیهی است که الکلی صنعتی خصوصیتی ندارد و مطابق مفهوم مخالف این جمله، هر نوع الکلی اگر بدانیم از مست کننده روان درست شده است، نجس می باشد خواه در صنایع کار برد داشته باشد یا در امور پزشکی یا غیر این ها.^۲

مرحوم آیه الله گلپایگانی رحمته الله علیه از آن جا که در استحاله بودن تبخیر و تقطیر مایعات نجس و متنجس اشکال می کند الکلی مورد بحث را بنابر احتیاط لازم، نجس

۲ - علی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، تهران، الهدی، ۱۳۸۵، ص ۶۳، سؤال ۳۰۷.

۱ - حسن وحدتی شبیری، الکلی و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۱۱۲.

می داند. ایشان در پاسخ به سؤالی در این زمینه مرقوم می دارد: « اشکالی که حقیر در مایعات متقاطره دارم در این مورد نیز جاری است و حکم به طهارت مشکل است.»^۱

مرحوم سید محسن حکیم رحمته الله الكل را به طور مطلق، از مصادیق مسکر مایع بالإصالة و نجس می داند بدون آن که میان اقسام الكل فرق بگذارد، ولی شهید صدر رحمته الله در حاشیه خویش تنها شراب انگوری و الکلی را که از آن تهیه شود نجس دانسته است.^۲

مرحوم آیه الله خوئی رحمته الله نیز تصریح می کند که تمامی اقسام الكل پاک می باشد.^۳

آیه الله سیستانی و آیه الله تبریزی رحمته الله نیز در کتاب های فتوایی خویش همین نظر را پذیرفته اند.^۴

تولید و خرید و فروش خمر جهت ساخت الكل

در روایات زیادی چنین آمده که پول حاصل از فروش خمر حرام است « ثَمَنُ الْخَمْرِ سُحْتٌ ».^۵ و یا در چند حدیث، از جمله معتبره زید بن علی آمده که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله شراب و تولید کننده آن، فروشنده و خریدار آن، ساقی و نوشنده آن، بار بر و تحویل گیرنده آن را مورد لعن و نفرین قرار داده است.^۶

الكل صنعتی از آن جا که در فرایند تولید آن هرگز از خمر استفاده نمی شود و پس از تولید نیز بر آن لفظ خمر صادق نیست، طبعاً از موضوع این روایات خارج است، ولی الكل تخمیری چنین نیست؛ زیرا الكل تخمیری از خمر و سایر مشروبات الکلی گرفته می شود.

۲ - محمد رضا گلپایگانی، مجمع المسائل، قم، انتشارات دفتر آیه الله شیخ حسین ایوبی، ۱۳۷۵، ص ۵۱، سؤال ۱۳۲.

۳ - محسن حکیم، منهاج الصالحین با تعلیقات سید محمد باقر صدر، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۶ق، جلد ۱، ص ۱۴۹.

۴ - ابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ق، جلد ۱، ص ۱۰۹.

۵ - محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، جلد ۱، ص ۸۰.

۶ - وسائل الشیعه، جلد ۱۷، ابواب ما یکتسب به، باب ۵، ص ۹۴، حدیث ۲۲۰۶۲، ۲۲۰۶۳، ۲۲۰۶۴.

۶ - همان، باب ۵۵، ص ۲۲۴، حدیث ۲۲۳۸۵ و... « لعن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الخمر و عاصرها و معتصرها و بائعها و مشتریها و ساقیها و آكل ثمنها و شاربها و حاملها و الحمولة إلیه »

اکنون آیا تولید یا خرید و فروش خمر جهت تهیه الكل مشمول روایات فوق است؟ و آیا سازنده شراب و کارخانه ای که آن را جهت ساخت و سنتز الكل می خرد، مشمول لعن و نفرین پیامبر ﷺ می باشد؟

در پاسخ باید گفت از مجموع روایات وارده در این باب و به قرینه ذکر ساقی و شارب در برخی از آن ها چنین بر می آید که هدف از تحریم این گونه از اعمال، جلوگیری از مفاسدی است که در اثر نوشیدن مشروبات مست کننده به وجود می آید. حتی روایات مربوط به تحریم پول خمر (ثَمَنُ الْخَمْرِ سُحْتٌ) نیز به مناسبت حکم و موضوع در موردی است که هدف از خرید و فروش خمر، نوشیدن و استفاده های حرام است. در غیر این صورت باید قائل شویم که تهیه خمر جهت تولید سرکه و یا خرید و فروش آن نیز حرام است. در حالی که احتمال آن از نظر فقهی بعید به نظر می رسد.

بنابراین اگر خرید و فروش خمر، در جهت حلال و به منظور اصلاح حال مردم باشد، مشمول روایات مزبور نخواهد بود. شاهد بر این مطلب این که در سایر روایات، تهیه و خرید و فروش خمر برای تولید سرکه از این جهت که اراده فساد در آن نیست، به طور صریح، حلال شمرده شده است.^۱

در صحیحه ابی بصیر، در پاسخ به این سؤال که آیا می تواند خمر را جهت تهیه سرکه نگه بدارد، فرمود: «... لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِنَّمَا إِرَادَتُكَ أَنْ تَتَحَوَّلَ الْخَمْرُ خَلًّا وَ لَيْسَ إِرَادَتُكَ الْفَسَادَ».^۲

روایات دیگری نیز بدین مضمون وجود دارد و همگی می رساند که خرید و فروش شراب و تولید آن، به منظور منفعت حلال چون تهیه سرکه، اشکال شرعی ندارد.^۳

استفاده از الكل در فرایند تولید کالا

چون الكل بهترین حلال آلی است که در ساخت و سنتز بسیاری از کالاها به کار می رود و چون برخی از انواع آن به نظر عده ای از فقها نجس می باشد و عنوان خمر

۳- حسن وحدتی شبیری، الكل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۱۱۷.

۱- همان، ص ۳۷۳، حدیث ۳۲۱۵۸.

۲- ر.ک: امام خمینی، المكاسب المحرمه، چاپ سوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۸ش، ص ۲۷.

بر آن صدق می کند، لذا باید دید تولید و فروش این گونه کالاها از قبیل داروها و نوشابه ها و غیر این ها چگونه است.

***نوشابه ها**

گاهی برای تسریع در حل شدن مواد اولیه در نوشابه ها از مقدار کمی الکل استفاده می شود. این الکل اگر از نوع الکل صنعتی است مشهور فقها آن را پاک می دانند و بنابراین نوشابه را نجس نمی کند و اما از لحاظ حرمت آن، اگر مقدار الکل آن قدر کم است که به طور کامل مغلوب اثرات محیط خود قرار می گیرد به طوری که اگر به مقدار زیاد هم نوشیده شود، هیچ گونه حالت اسکار در شخص به وجود نمی آید، در این صورت شبهه حرام بودن آن نیز از بین می رود و اگر الکل مزبور از نوع الکل تخمیری باشد که از شراب به دست آمده، در صورتی که آن را پاک بدانیم آن نیز هم چون الکل صنعتی است؛ یعنی اگر نوشیدن مقدار زیاد آن نیز حالت مستی نیاورد، پاک و حلال است ولی اگر نوشیدن آن ولو به مقدار زیاد، مستی می آورد خوردن مقدار کم آن نیز حرام است؛ بلکه اگر عنوان خمر یا مسکر بر آن صادق باشد باید آن را نجس دانست.^۱

***داروها**

همان طور که در قسمت کاربردهای الکل اشاره شد، از الکل در ساخت برخی داروها هم چون تنطورها یا شربت های دارویی و نیز در تهیه روکش قرص ها به عنوان حلال شیمیایی استفاده می شود. این الکل ممکن است الکل صنعتی خالص یا الکل تخمیری باشد. هرچند استفاده از الکل تخمیری، به لحاظ مواد اولیه ترجیح دارد. حال در این جا این سؤال مطرح می شود که آیا می توان شربت دارویی را که ماده حرام در آن به کار رفته مورد استفاده قرار داد؟

در پاسخ باید گفت اگر شربت دارویی که در آن الکل به کار رفته در اثر نوشیدن (ولو به مقدار زیاد) مستی می آورد، عنوان «مسکر» بر آن صادق بوده و نوشیدن حتی یک قاشق از آن نیز حرام است ولی بنا بر تحقیق به عمل آمده، الکل بر اثر انحلال در دارو آن چنان مغلوب اثرات محیط قرار می گیرد که خاصیت اولیه به کلی از آن گرفته می شود به طوری که نوشیدن مقدار زیاد دارو نیز آثار مستی را در پی ندارد. به ویژه که مقدار الکل کاربردی، بسیار کم بوده تنها نقش حلال را در محلول ایفا می نماید.

۳- حسن وحدتی شبیری، الکل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۱۲۷.

به این ترتیب تنطور یا شربت دارویی، عنوان «خمر» یا «مسکر» بر آن صادق نیست تا مشمول ادله «...كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ...»^۱ قرار گیرد و نوشیدن مقدار زیاد آن نیز آثار مستی را در پی ندارد تا روایات «...مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ...»^۲ شامل آن باشد.

فتاوی بعضی از فقهای معاصر پیرامون استفاده از الکل در داروها و وسایل پزشکی

سؤال: امروزه از الکل که در واقع مسکر است برای ساخت بسیاری از داروها به خصوص داروهای نوشیدنی، عطرها به ویژه انواع ادکلن هایی که از خارج وارد می شوند استفاده می کنند. آیا به افراد آگاه و جاهل به مسأله اجازه خرید و فروش و استفاده و بهره گیریهای دیگر از آن ها را می دهید؟

جواب: الکل هایی که معلوم نیست در اصل از اقسام مایعات مست کننده باشند، محکوم به طهارت هستند، و خرید و فروش و استعمال مایعاتی که با آن ها مخلوط شده اند اشکال ندارد.

سؤال: آیا استفاده از الکل سفید برای ضد عفونی کردن دست و لوازم پزشکی مثل دماسنج و غیر آن به خاطر استفاده از آن ها در امور پزشکی و درمان توسط پزشک و تیم پزشکی جایز است؟ الکل سفید همان الکل پزشکی است که قابل نوشیدن هم هست، آیا نماز خواندن با لباسی که یک یا چند قطره از این الکل بر آن ریخته شده جایز است؟

جواب: اگر از الکلی باشد که در اصل مایع نیست، هر چند مست کننده باشد، محکوم به طهارت است و نماز با لباسی که با این الکل برخورد کرده صحیح است و احتیاجی به تطهیر ندارد. ولی اگر از الکل مایع بالاصاله و بر حسب تشخیص اهل فن مست کننده باشد، نجس است و نماز خواندن با لباسی که با آن برخورد کرده موقوف به تطهیر است؛ لیکن استفاده از آن جهت ضد عفونی کردن ادوات پزشکی و مانند آن اشکال ندارد.^۳

سؤال: «الگزیرها» شربت هایی هستند که حاوی بیش از ۳۰ درصد اتانول مست کننده می باشند و این شربت ها معمولاً در اطفال مصرف می شود و گاهی هم

۱- وسائل الشیعه، جلد ۲۵، ابواب اشربه محرمة، باب ۱۷، حدیث ۳۲۰۶۳ و ...

۲- همان.

۳- علی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، ص ۵۹، سؤال ۳۰۴ و ۳۰۵

برای بزرگسالان تجویز می گردد تجویز، فروش و خوردن این شربت ها چه حکمی دارد؟

جواب: شربت های دارویی که به آن ها شراب گفته نمی شود، چنان چه مخلوط به شراب نباشد استعمال آن ها در تداوی مانعی ندارد؛ مجرد حاوی الکل بودن ملاک حرمت نیست و الله العالم.^۱

سؤال: آیا الکل زرد و سفید نجس است؟

جواب: الکل صنعتی و الکل هایی که در مداوا و آمپول زدن و امثال آن به کار می رود نجس نیست.^۲

فقیهان دیگر نیز در کتب فقهی خویش نظراتی مشابه دارند که از ذکر آن در اینجا خودداری می شود.

کیفر شرب مسکرات

مراد از شارب مسکر کسی است که اقدام به نوشیدن یا خوردن مسکر کرده باشد، چه به طور خالص مسکر را صرف کرده باشد و یا این که آن را به صورت مخلوط یا آمیخته شده با ادویه و اغذیه صرف کرده باشد. در هر دو صورت حد بر او واجب می شود. در این زمینه در تحریر الوسيله آمده است: کسی که مسکر یا فقاغ بنوشد هر چند که فقاغ، مسکر نباشد... حد بر او واجب می شود.^۳

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرمایند: نوشابه ای که زیادش مستی آورد اندکش نیز حرام است. راوی پرسید: اگر اندکی مسکر را با آب زیاد بیامیزد حلال می شود؟ حضرت دو مرتبه با دست اشاره کرد نه، نه.^۴

شرایط واجب شدن حد بر شارب مسکر

همان گونه که در مطالب گذشته بیان شد، به محض شرب مسکر، ولو به اندازه قطره ای باشد، حد بر شارب واجب می گردد، اما خود شارب نیز باید حایز شرایطی باشد که این شرایط عبارتند از: بلوغ، عقل، اسلام، اختیار، علم داشتن به نوع مشروب و حکم تحریم آن.^۵

۲ - جواد تبریزی، استفتائات، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۳، ص ۲۵، سؤال ۷۹.

۳ - محمد فاضل لنکرانی (ره)، جامع المسائل (استفتائات)، قم، انتشارات امیر، جلد ۱، ص ۴۰، سؤال ۷۳.

۱ - امام خمینی (ره)، تحریر الوسيله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات دارالعلم، جلد ۴، ص ۳۵۵، مسأله ۱.

۲ - وسائل الشیعه، جلد ۲۵، ابواب اشربه محرمة، باب ۱۷، ص ۳۳۷، حدیث ۳۲۰۶۳.

۳ - مهران خوش سلوک، آخرین دستاوردها پیرامون شراب خواری، ص ۱۳۶.

آراء بعضی از فقها در شرایط وجوب حد مسکر

امام خمینی رحمته الله می فرمایند: «کسی که مسکر یا فقاغ بنوشد هر چند فقاغ مست کننده نباشد، اگر بالغ و عاقل و مختار و عالم به حرمت آن باشد و بداند آن چه می نوشد مسکر است (و یا فقاغ است) حد بر او واجب می شود...»^۱

فتوای آیه الله خوئی رحمته الله در این مورد این است: «کسی که مکلف و عاقل است اگر از روی اختیار و علم به حرمت، شراب بخورد در دفعه اول و دوم باید هشتاد تازیانه به او بزنند و در دفعه سوم باید او را بکشند و...»^۲

نظرات آیات عظام اراکی، تبریزی، گلپایگانی رحمته الله، صافی، زنجانی نیز در مورد شرایط وجوب حد همین است. یعنی ایشان هم بلوغ و عقل و اختیار و علم به حرمت را در وجوب حد لازم می دانند. البته آیه الله زنجانی در ادامه مسأله می فرمایند: «... برای اجرای این حد لازم نیست به اندازه ای بخورد که مست شود، بلکه اگر مقدار اندکی هم بخورد حد ثابت است»^۳.

میزان حد شرب خمر

می توان گفت شرب خمر دارای حد معینی نبوده و احتمال دارد تعزیری برای آن قانون گذاری شده بوده است و تعزیر بنا به نظر حاکم وقت و طبق مصالح و مقتضیات معین می گردیده است، گاه کمتر از چهل تازیانه و گاه چهل و گاه هشتاد، ولی چون حضرت علی علیه السلام هشتاد تازیانه را به استناد آیه شریفه ﴿الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ...﴾^۴ بیان فرموده و خلیفه دوم نیز آن را پذیرفته و اجرا کرده است و نیز در کتاب علی علیه السلام آمده است که «يُضْرَبُ شَارِبُ الْخَمْرِ ثَمَانِينَ وَشَارِبُ النَّبِيذِ ثَمَانِينَ»^۵ و نیز در همان کتاب آمده است که «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ضَرَبَ فِي الْخَمْرِ ثَمَانِينَ»^۶ دیگر هیچ تردیدی برای شیعه باقی نمی ماند که کیفر شرب بر اساس هشتاد

۴- امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۴، ص ۳۵۵، مسأله ۱.

۵- محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، جلد ۲، ص ۸۲۰، مسأله ۱۱.

۱- همان.

۲- نور (۲۴)، آیه ۵.

۳- وسائل الشیعه، جلد ۲۸، ابواب حد شرب مسکر، باب ۴، ص ۲۲۴، حدیث ۳۴۶۱۱.

۴- همان، باب ۳، حدیث ۳۴۶۱۰.

تازيانه يکي از حدود است که نتوان آن را کم و بيش کرد از اين رو فقهای ما متابعت از روش و استناد حضرت علي عليه السلام را لازم شمرده و آن را در زمره حدود قرار داده اند.^۱

شرب خمر نيز با شهادت دو مرد عادل و با دو بار اقرار از جانب کسی که شرب مسکر نموده ثابت می شود.^۲

فهرست منابع و مآخذ

- *قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای
- (۱) اردبیلی، احمد بن محمد، **مجمع الفائده و البرهان**، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ق، جلد ۱، ص ۳۰۹.
- (۲) آذر آبادگان، حسینعلی، **بررسی علمی وفقهی الكل**، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۳۱-۳۲، ۱۳۸۱، ص ۲۳۲.
- (۳) بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، قم، توضیح **المسائل مراجع**، ۱۳۸۵، جلد ۱ و ۲.
- (۴) بهجت، محمد تقی، **توضیح المسائل**، قم، انتشارات شفق، ۱۳۸۱.
- (۵) تبریزی، جواد، **استفتائات**، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۳.
- (۶) جُرّ، خلیل، **فرهنگ لاروس**، ترجمه حمید طبیبیان، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳، جلد اول.
- (۷) جی . اچ . برن ، **مبانی فارماکولوژی** ، ترجمه مرتضی فرخ سیر و محمود بهزاد، بی تا.
- (۸) حلّی (محقق حلّی)، ابوالقاسم جعفر بن حسن، **المعتبر فی شرح المختصر**، انتشارات مؤسسه سید الشهداء، جلد ۱، بی تا.

۵- علیرضا فیض، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹، صص ۲۵۱، ۲۵۲.

۶- امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۴، ص ۳۵۷، مسأله ۷ و ۸.

- (۹) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق، جلد ۳ و ۲۵.
- (۱۰) حلی، محمد بن ادریس، السرائر، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق، جلد ۱.
- (۱۱) حسینی خامنه ای، علی، اجوبة الاستفتاءات، تهران، الهدی، ۱۳۸۵، ص ۶۳.
- (۱۲) حکیم، محسن، منهاج الصالحین با تعلیقات سید محمد باقر صدر، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۶ق، جلد ۱.
- (۱۳) خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ۱۴۱۰ق، جلد ۱.
- (۱۴) حکمت، سعید، روان پزشکی کيفری، تهران، انتشارات گوتنبرگ، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- (۱۵) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۸۵، جلد اول.
- (۱۶) راغب الاصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد بن فضل، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ سوم ۱۳۸۳، جلد اول.
- (۱۷) سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، نشر دانش اسلامی، اسفند ۱۳۶۳، جلد ۲.
- (۱۸) شیخ، ابوالحسن، شیمی آلی (ارگانیک)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰، جلد ۱.
- (۱۹) طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دارالمعرفة، ۱۴۰۸ق، جلد ۳.
- (۲۰) علامه فلسفی، احمد، فرهنگ زبان فارسی، تهران، انتشارات پیام آزادی، چاپ ۱۳۸۱.
- (۲۱) عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیستم ۱۳۸۰.
- (۲۲) غروی تبریزی، علی، (تقریر بر بحث آیه الله خوئی)، تنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، نشر مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق، جلد ۱.
- (۲۳) - فاضل لنکرانی (ره)، محمد، جامع المسائل (استفتاءات)، قم، انتشارات امیر، جلد ۱، ص ۴۰.

- (۲۴) فیض، علیرضا، **تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام**، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹.
- (۲۵) قمی بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ترجمه محمد جواد غفاری، نشر صدوق، جلد ۱، بی تا.
- (۲۶) کوپر، پیتر، **مسمومیت به وسیله داروهای شیمیایی**، ترجمه مرتضی فرخ سیر و محمد خوئی، ۱۳۶۱.
- (۲۷) گلپایگانی، محمد رضا، **جمع المسائل**، قم، انتشارات دفتر شیخ حسین ایّوقی، ۱۳۷۵.
- (۲۸) مکارم شیرازی، ناصر، **توضیح المسائل**، قم، انتشارات هدف، ۱۳۷۳.
- (۲۹) مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۵، جلد ۵.
- (۳۰) مصطفوی خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات دارالعلم، بی تا، جلد ۴.
- (۳۱) مصطفوی خمینی، روح الله، **استفتائات**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶، جلد ۱.
- (۳۲) مصطفوی خمینی، روح الله، **المکاسب المخرمه**، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۸.
- (۳۳) مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق، جلد ۷۶.
- (۳۴) مؤیدی، علی، **از شراب چه می دانیم؟ تهران**، انتشارات حسنین، ۱۳۸۳.
- (۳۵) مروارید، علی اصغر، **سلسله الینابیع الفقهیه (منابع اولیه فقه امامیه)**، بیروت، ۱۴۱۰ق، جلد ۱.
- (۳۶) نجفی، محمد حسن (صاحب جواهر)، **جواهر الکلام**، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۷، جلد ۲.
- (۳۷) نصر اصفهانی، بهرام، **کپکها و مخمرها**، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه پزشکی اصفهان، ۱۳۷۲.
- (۳۸) وحدتی شبیری، حسن، **الکل و فرآورده های آن در فقه اسلامی**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.